# جزوه

دانلود پایان نامه، جزوه ، گزارش کارآموزی

در تمامی رشته ها

**www.jozve.org**

# نام تحقيق:

# حقوق خانواده

# نام محققان:

# نويسندة كتاب: دكتر علي قائمي

# نام كتاب: نظام حيات خانواده در اسلام

# مقدمه

انقلاب صنعتي را به واقع مي توان يكي از رخدادهاي مهم تاريخ حيات بشر بحساب اورد از آن بابت كه كمتر رويدادي را در جهان ميتوان ذكر كرد كه تا بدين حد در جوانب ابعاد حيات انسان اثر گذارده باشد.

شيوه زندگي و اصولاً طرز فكرها در رابطه با آن دگرگون گرديد، انديشه هائي جديد در رابطه با حيات نوين پديد آمدند كه دامنه آن به زودي در اقصي نقاط جهان گسترده شده و حتي كشورهاي غيرصنعتي را هم زير پوشش قرار دادند.

اخلاق كه تا آن روزگار بيشتر جنبة تعييني داشت بمرحله استنباطي رسيد و هر گروه و طرفدار مكتبي كوشيدند كه آن را بر اساس ديد و برداشت خود تبيين كنند. ارزشهاي گذشته بويژه در زمينه روابط زير سؤال قرار گرفتند و چه بسيار از آنها كه فاني شده و بجايش ارزشهاي ديگري پديد آمدند.

نهضت صنعتي عاملي بود كه در آن سرمايه داران كوشيدند براي دستيابي به كار بيشتر و مزدي كمتر زنان را از خانواده ها به بيرون كشند و به سوي كارخانه ها گسيل دارند و اين امر با فريب و حقه تحت عنوان دادن «حق آزادي» به زنان و تساوي حقوق آنها با مردان آنچنان فلاكت و بيچارگي براي اين طبقه بوجود آورد كه وصف ناشدني است و شما در دنياي غرب هرروزه صبحها بانواني خواب آلود را مي بينيد كه دست كودكان خواب آلود خود را گرفته و منتظر قطار يا اتوبوسي هستند كه بيايد و جگرگوشه‌شان را به پرورشگاه و مهد كودك ها بسپارد و خود آنها را هم به كارخانه و اين جدائي كه خود منشاء پيدايش عقده ها و نابسامانيها در سنين بعدي حيات كودكان است موجب پيدايش بزهكاري‌هائي است كه همه روزه تكرار ميشود.

بيان اينكه در دنياي امروز دذر رابطه با خانواده چه مسائلي مطرح است و چه شيوه هائي در برخورد با آن بچشم ميخورد بحثي است پردامنه كه موضوع تحقيق دانشمندان جامعه شناسي، حقوق، روانشناسي، تربيت و حتي علم سياست است.

ولي ما گمان داريم بسياري از آنچه كه مي بايست مورد بحث و بررسي قرار گيرد عالمانه و يا جاهلانه از ديد مسؤولان پوشيده مانده است.

عده اي هوسباز در قالب روشنفگرنمائي سعي كرده اند زنان را از كانون گرم خانواده بيرون بكشند و بصورت ابزار و وسيله در اختيار خود قرار دهند و گروهي هم كوركورانه به دعوت و نداي آنها پاسخ گفته و تيشه به ريشه خود ميزنند. حتي امروزه ما در مواردي مي بينيم كه خانواده وجود دارد، اما چه خانواده اي؟ در آن نه سر و ساماني است نه نظم و آرامشي نه تربيت و سكوني....

ما امروزه عملاً مي‌يابيم و شاهديم كه خانواده ها دچار نابساماني و درگيري هستند. در رابطه با خود و فرزند مسائل و دشواري هائي دارند:

-روابط‌شان سست و متزلزل است و از صفا و صميميت و در نتيجه آرامش و سكون واقعي خبري نيست.

-زن و شوهر ظاهراً در كنار يكديگرند ولي وضع حيات‌شان آنان را چون دو بيگانه در كنار هم قرار داده است.

-آمار طلاق سرسام آور است و زن و مرد باندك بهانه يا رشته حيات خانوادگي را از هم مي گسلند.

-فرزندان مهر و عطوفت لازم را از خانواده ها بدست نمي آورند و در نتيجه اغلب شان زودرنج و زودشكن و بي عاطفه اند.

-بعلت برخورداري نسل از تربيت صحيح بزهكاري كودكان رو به افزايش و تزايد است.

-فرزندان نامشروع رو به افزايشمند و وحدت ها و صميمت ها در حال تزلزل و سقوط. و اين فقط گوشه اي از وضع نابسامان اكثر خانواده هاي جهان امروز است.

خانواده هايي كه فداي مدعيان و روشنفكران و صاحبان مكاتب شده اند آنان كه ويرا اعتراف كردند در عرضه و ارائه طرز فكر خود عجله كرده اند و تحت عنوان آزادي زنان و تساوي حقوق كار به فساد و رسوائي كشانده اند.

انديشه روشنفكر مآبانه بسياري از پديد آورندگان مكاتب و غفلت آنها و غرورشان از آن جهت كه خود را دلسوزتر از خدا براي بشر ديده اند سبب ضايع شدن انسان و حيواني شدن زندگي آنها گرديد. موقعيت فطري و طبيعي انسانها ناديده گرفته شد و موجبات افزايش نابسامانيها از هر حيث فراهم گرديد.

ما معتقديم امروزه بيش از هر عصري ضروري است در باره خانواده ها بحثها و ارشادهائي صورت گيرد. نخست از آن بابت كه در هيچ عصر و دوره‌اي بشريت تا اين اندازه در رابطه با خانواده دچار سقوط و انحطاط نشده بود. ثانياً هيچگاه بدين اندازه انسانها از دست پخت فكري و فلسفي خود دچار سرخوردگي نشده بودند، و ثالثاً در هيچ عصري آواي تعاليم جانبخش اسلامي و معرفي اسلام بعنوان يك تز حياتبخش و انقلاب آفرين جا نيفتاده بود.

بشريت امروز چشم به سوي اسلام دارد و ميخواهد ببيند اسلام در اين رابطه چه ميگويد و براي نجات انسان از بدبختيها و بيچارگي هاي موجود چه تزي ارائه ميدهد.

اسلام خانواده را از مهمترين و اساسي ترين واحدهاي اجتماعي مي داند كه بناي آن بر الفت و همدلي و همدمي استوار و اين بنا محبوبترين بناها در پيشگاه خداوند است. روابط آن بر مودت و رحمت پايه گذاير شده و گرمي كانون خانواده مورد توجه عميق اسلام است.

اسلام زندگي خانوادگي را بر مبناي حقوق و مسؤوليت قرار ميدهد و در آن وظيفة هر يك از اعضاء معلوم و مشخص است در عين آنكه گذشت و فداكاري زوجين براي گرمي كانون و استواري آن اصلي است. اسلام قائل است اصلاحات از خانواده ها بايد شروع شوند (ابدء بما تعول) و زن و شوهر مسلمان بايد بناي حيات اجتماعي را در خانواده پي ريزي نمايند.

**كاري كه ما انجام داده ايم**

كاري كه ما در اين راه انجام داديم بررسي و مروري است ساده و كوتاه بر آنچه كه در نظام حيات اسلام در اين رابطه وجود دارد، مطالعه اي است در زمينه نظام حيات خانواده در اسلام بمقصد بيان واقعيت هائي كه در اين رابطه وجود دارد.

اساس انگيزه ما در اين راه ضرورت وجود بحثي جديد در زمينه خانواده بويژه در عصر پيروزي انقلاب اسلامي و تجديدنظر در برخي از گفته ها و يافته ها و بررسي جوانب و ابعادي مهم در اين رابطه است. ما تابع اسلاميم و بدنبال تعاليمي ميرويم كه خداي اسلام ان را براي ما مقرر و وضع كرده است.

نسل ما نسلي علاقمند و آگاه و يا لااقل دوستدار كسب آگاهي در زمينه مسائل اسلامي است. جوانان دوستدار ازدواج و تشكيل خانواده ميخواهند بدانند چه كنند كه عملشان مورد رضاي اسلام باشد و چه معيارهائي را در زمينه خانواده به كار گيرند كه به سعادت ‌شان بيانجامد.

ما در اين بحث سعي خواهيم داشت علل و عوامل تزلزل خانواده را جستجو كرده و حق و حقوق نقش‌هاي قضاوت را در خانواده را بيان كرده كه بر دانائي‌ها افزوده گردد و راه حلهاي عرضه شده گرهي از مشكلات موجود در اين زمينه را بگشايد.

ما ديدگاه اسلامي خود را در زمينه خانواده عرضه ميكنيم بدان اطمينان كه خداوند به مصالح بندگان آگاه تر و تعاليم اسلامي از سوي اوست كه دانائي حكيم و خالقي عالم به اسرار است. او كه نور هدايتش همه جا روشن كرده نمي پسندد كه خيري از انسان بيحساب رو به زوال گذارد و يا در سايه اجراي فرامينش چيزي از انسان دور گردد.

راهي را كه در پيش پاي ما نهاده راهي است كه انتهاي آن سعادت و نيكبختي است و راه حلهائي كه او براي رفع مشكلات ما عرضه كرده راه حلي خيرآفرين است.

## بخش اول

تعاريف و بررسيها

تعريف خانواده

سازمان و اعضاي آن

وظايف و كاركرد آن

نقش و اهميت خانواده

ساخت خانواده

ضرورت وجودي خانواده

بررسيهاي برخي از روانشناسان اجتماعي نشان داده است كه امر خانواده در نزد برخي از حيوانات عالي هم رواج دارد ولي صورت عقلاني و پايدار آن در جامعه انساني ديده ميشود. مسأله ازدواج در زندگي انسانها نقطه عطفي مهم است كه صدها پيروزي و شكست، كاميابي و ناكامي انسان ها بدان مربوط ميشود.

حق ازدواج در همه مذاهب و مكاتب از حقوق زن و مرد بحساب مي آيد و در اسلام با خواست و تراضي طرفين و آزادي كامل زن و مرد صورت ميگيرد. بدنبال آن طبعاً حقوق و وظايفي براي طرفين و فرزنداني كه از آنها پديد مي‌آيند ايجاد ميشود.

خانواده بمفهوم محدود آن عبارتست از يك واحد اجتماعي، ناشي از ازدواج يك زن و يك مرد كه فرزندان پديد آمده از آنها را تكميل ميكنند. تعريف ديگري خانواده را شامل مجموعه اي از افراد ميداند كه با هدف و منافع مشترك زيرسقفي گرد هم مي آيند.

اسلام خانواده را گروهي متشكل از افراد، داراي شخصيت مدني، حقوقي و معنوي معرفي ميكند كه هسته اوليه آن را ازدواج مشروع زن و مردي تشكيل ميدهد و نكاح عقدي است كه بر اساس آن رابطه زوجيت بين زن و مرد برقرار شده و در پس آن طرفين داراي وظايف و حقوق ميشوند. ارتباط خويشاوندي در سايه نكاح پديد مي آيد و اعضاي آن داريا روابط قانوني، اخلاقي و عاطفي ميگردند.

اساس تشكيل آن اين است كه زن و مردي ميكوشند اراده خود را بر تأسيس آن و قبول تكاليفي كه شرع براي آنها معين كرده است محقق گردانند. بر اين اساس خانواده يك تأسيس حقوقي بحساب خواهد آمد كه اعضاي آن با رشته خوني به هم پيوند پيدا ميكنند.

وظايف و كاركرد آن

خانواده عهده دار وظايف مهم و فوق العاده اي است كه اهم آنها عبارتند از:

-ارضاء و اقناع سائقه جنسي بصورت مشروع و بر اساس ضوابط مورد تأييد.

-توليد نسل و ابقاي آن از طريق توليد مثل.

-پرورش نسل و مراقبت از آن بخاطر حفظش از خطرات گوناگون.

-صميميت و نزديكي شديد با اعضاء و همرنگي و همدلي و تعاون و تعاضد.

تكميل و تكامل زمينه امن و آسايش در يكديگر بگونه اي كه امكان عبادت خدا و موجبات رشد از هر حيث فراهم گردد.

نقش و اهميت خانواده

خانواده تنها نظام اجتماعي است كه در همه جوامع، از مذهبي و غيرمذهبي پذيرفته شده و توسعه يافته است. در جوامع مختلف داراي نقش، پايگاه و منزلت هاي گوناگون است. با اينكه هسته اي كوچك از اجتماع است در حيات اجتماعي مردم نقش و تأثيري فوق العاده دارد.

همه سنت ها، عقايد و آداب، ويژگي هاي فردي و اجتماعي از طريق خانواده به نسل جديد منتقل ميگردد.

جامعه متشكل از خانواده هاست، مختصات آن از طريق روابط خانوادگي قابل توصيف است. اثر وجودي مفيد و يا زيانبخش آن به جامعه هم ميرسد. ساخت و مشي آن در سكون يا اضطراب جامعه مؤثر است، انگيزه اعضايش در انگيزه هاي اجتماع تأثير ميگذارد. چگونگي مشي و سبك زندگي آن در اخلاق جامعه و در صحت يا بيماري آن نقشي مؤثر دارد.

از نظر ما تشكيل خانواده خدمتي است به زن و مردي كه براي حيات مشترك پيوندي برقرار كرده اند، و خدمتي است به اجتماع از نظر دور داشتن آن از عوامل فساد و لغزش احساس مسؤوليت، و به كودك كه نياز به مربي و معلمي صالح دارد، و به مكتب و مذهب كه تعاليم آن را از اين طريق حيات و تداوم پيدا ميكنند.

ضرورت وجودي خانواده

خانواده يك نهاد است و ضرورت وجودي آن عقلاً و شرعاً قابل اثبات است. بدون وجود آن حيات اجتماعي شكل و معنائي ندارد. بررسيها نشان داده اند تلاشهائي كه براي از بين بردن آن صورت گرفته امري بيهوده بوده و جامعه را دچار خطر و زيانهائي كرده است. وجود نسل ناشناخته و كودكاني كه دچار نارسائيها و كمبودهاي عاطفي هستند براي جوامع بشري آفتي بحساب مي آيد و با همه مراقبت هائي كه در حفظ آنها بعمل مي آيد بازهم وضعي عادي و روحيه‌اي متعادل ندارند.

دنياي امروزي معتقد است بايد به خانواده ارج نهاد و براي تشكيل آن بايد كمكهائي از طرف دولت و ملت صورت گيرد. اين اعتقاد در بسياري از نقاط جهان مورد توجه و عمل است و مسؤولان در اين زمينه اقدامات فوق العاده اي انجام ميدهند.

اسلام از روزگاران قديم در باره اهميت اين امر سخت گفته و رسول خدا (ص) فرموده است: ما بني في الاسلام بناء احب الي الله من التزويج (وسايل) هيچ بنائي در اسلام محبوبتر از بناي ازدواج در پيشگاه خداوند نيست.

فصل 2

خانواده از ديدي يك مؤسسه حقوقي است و روابط اعضاي آن بناچار بايد مبتني بر ضوابطي باشد. بررسي حقوق خانواده در پنج قسمت قابل ذكر است.

فصل دوم آن مربوط به حقوق اختصاصي زنان است.

فصل سوم آن مربوط به حقوق شوهر يا وظيفه زن است.

در قسمت چهارم سخن از حقوق فرزندان است.

در فصل پنجم سخن از حقوق والدين و اجداد است.

مقدمه

فوائد رعايت حقوق

حقوق مشترك

1-سكونت مشترك

2-مضاجعت و تمكين

3-ستر و لباس يكديگر

4-معاشرت نيكو

5-وحدت و انس

6-تكميل و تكامل

ضرورت رعايت حقوق

ضمانت اجراي حقوق

نه تنها زندگي خانوادگي بلكه زندگي اجتماعي نياز به قواعد و ضوابطي دارد كه اعضاء مؤظف به تبعيت از آن ميباشند. اسلام براي تحكيم خانواده و بنفع هر يك از اعضاي آن حقوق و وظايف مخصوصي وضع كرده كه رعايت آن سبب نزديكي افراد بهم شده و درهم ريختگي ها و هرج و مرج ها را از بين مي برد.

اين حقوق از زماني است كه ازدواجي صورت ميگيرد و زن و مردي بر اساس قرارداد تصميم ميگرند تحت شرايطي مورد قبول با هم زندگي نمايند.

فوايد رعايت حقوق

رعايت حقوق براي زن و شوهر و فرزندان اين فوايد را دارد كه اولاً مرز مسؤوليت ها را نسبت بيكدبگر معين ميكند. طوري كه هر يك از اعضاء در مي يابند چه راه و روش و چه مشي مشخصي را بايد در پيش گيرند تا مورد توجه و عمل كرده به وظايف و تعهد باشند.

بر اثر آن نظم در خانواده برقرار مي شود و آزادي ها مهار شده و تحت ضابطه انديشه‌اي درمي آيد. ديگر كسي تن به بي بند و باري نمي دهد و هرج و مرج در محيط خانواده نخواهد بود. حيثيت هر كس در چارچوب آنچه برايش مطرح است شناخته شده و روي آن حساب خواهد شد.

رعايت حقوق در خانواده سبب پيدايش امنيت در آن ميشود، حدود توقعات اعضاي خانواده از يكديگر معلوم ميگردد، طرز رفتارها مشخص و در چارچوب ضابطه ها علني ميگردد. زن و شوهر مي توانند براي كار و زندگي خود برنامه ريزي كنند و وضع حال و آينده را پيش بيني نمايند.

و بالاخره رعايت حقوق باعث ايجاد عدالت در خانواده شده و هر يك از اعضاء بر اساس آن براي خود و ديگران مرزي قائل ميشوند و از آن حد و مرز تجاوز نكنند و اين مجموعه خود عامل و سبب رشد خانواده و در سطحي كلي تر سبب رشد جامعه انساني است.

سكونت مشترك:

اعضاي خانواده مادام كه در تعهد يكديگرند در يك خانه و در زير يك سقف زندگي ميكنند. و اين امر خود سبب پيدايش انس ها و الفت ها و موجب تداوم زندگي است. اين زندگي خانوادگي نيست كه مرد در ايران، زن در اروپا و فرزندان در جائي ديگر باشند. در چنين صورتي شوهر ديگر شوهر نيست، بلكه عامل و كارگزاري براي همسر و فرزندان است.

وضع بهمين گونه است در باره فرزندان. اين روا نيست كه پدر و مادري بهر علتي فرزند خود را از خود دور بدارند و مثلاً ببهانه تربيت بهتر يا علل و انگيزه‌هاي ديگر او را به پرورشگاه و يا مهد كودك بسپارند. در آنصورت ديگر چه پدري و چه مادري و چه فرزندي؟

ستر و لباس يكديگر:

تعبير قرآن از زن و شوهر اين است كه براي هم لباس و ساتر باشند (هن لباس لكم و انتم لباس لهن) و اين بنظر ما تعبيري بسيار ظريف و واجد نكته هائي بسيار مهم است. تفاسير اسلامي در اين رابطه تحليل هائي دارند كه اهم آنها عبارتند از:

-اينان لباس يكديگرند بدين معني كه حافظ يكديگر از آسيب ها و عوارض مختلفند.

-ساتر هم و پو.شنده عيوب و نواقص يكديگرند و سعي دارند عيب يكديگر را نزد بيگانه علني نسازند.

-مانع فجور و گناه يكديگرند و اجازه نمي دهند آلودگي و فجوري بريا يكديگر باشد.

-مايه آراستن و زيبائي و سبب سرووضع پيدا كردن يكديگر.

-وبالاخره مايه حفظ هم از حدت و شدت گرماي جنسي و غريزي يكديگرند.

معاشرت نيكو:

در روابط خانوادگي اصل بر اين است كه تصور شود همه خيرخواه يكديگرند و در طريق رشد و تكاملب هم گام برميدارند. از بدخواهي نسبت بهم و ديگر عيوب اخلاقي دور و مبرا هستند و بر اين اساس با حسن تلقي از امور با يكديگر برخورد دارند. عيب هم را ناديده ميگيرند و براي بزرگ كردن عيوب هم اقدامي ندارند.

وحدت انس:

بناي حيات خانوادگي بر انس و يكرنگي گذارده شده و از اين بابت هيچ واحد و ارگاني را مشابه آن نمي يابيم. حتي در ضرب المثل ها و كنايات و استعارات مربوط به وحدت ها و يگانگي ها بغير از جنبه هاي عقيدتي مسأله خانواده و اعضاي آنرا به عنوان نمونه ذكر ميكنند.

روايات متعددي در اسلام توصيه به اين امر دارند كه زن و شوهر موجبات رشد يكديگر را فراهم آورند و اين رشد هم در جنبه مادي است و هم در جنبه معنوي است، مثلاً برخي از احاديث اسلامي گويند زني كه موجبات تحصيل شوهرش را فراهم كند و سببي بسازد كه عالم گردد خداوند بهشت را بر او ارزاني دارد. و هم روايتي ديگر مي گويد زني كه موجبات حج و شركت شوهر را در جهاد فراهم آورد خود در اجر و پاداش آن شريك است (مكارم الاخلاق، بحارالانوار)

حقوق ديگري هم وجود دارند كه اگر نيكو نگريسته شوند در همين ابواب گرد هم مي آيند از جمله حفظ جوانب يكديگر، برخورد با صميميت، تلاش براي رفاه و سعادت هم، حفظ و تداوم انس بحدي كه روايات ما ميگويند مكروه است زن و شوهر بر يك سفره غذا نخورند. وفاداري بشروط ضمن عقد و حتي قولهائي كه صورت شرطي نداشته باشد. مثلاً اگر شوهر بهمسرش قول داده است همسر ديگري نگيرد بر او لازم است اين شرط را رعايت كند.

آنچه قابل ذكر است اين است كه اين حقوق بايد در مرز قرآن و سنت باشد و اسلام اجازه نمي دهد كه مسلماني بر حكم خدا پيشي گيرد و ضوابطي معين نمايد كه مخالف آن باشد. وجود سنت قرآن بر سر سفره عقد حاكي از اين موضوع است كه زن و شوهر خود را مكلف به اداي وظايفي در اين چارچوب ميدانند و بايد اين رعايت را همچنان ادامه بخشند. زن و شوهر مسلمان وظيفه دارند همه اعمال و رفتلر خود را با قرآن و سنت منطبق سازند نه تنها يك بعد و يك جنبه آن را.

فصل 2

دامنه حقوق زن

الف) نفقه: غرض از نفقه چيزي است كه فردي براي زندگي متعارف و متعادل خود بدان نياز دارد. و در اين بحث شامل انواع هزينه هائي است كه مرد در ازاي پيمان زناشوئي آن را براي زن بايد متحمل گردد.

نفقه شامل مواردي چون غذا، مسكن، لباس، اثاث البيت مورد نياز، حتي در فقه اسلامي هزينه آرايش است كه شوهر بر طبق ضوابطي بايد آن را بپردازد. اين پرداخت بر سااس نياز، شأن، و شرايط متعارف اجتماعي است. در زمينه نفقه زن مطالب و نكاتي است كه بايد بدان توجه شود:

اين وجوب از آغاز زندگي مشترك است تا زمان مرگ و حتي در مدت عده طلاق رجعي، خواه زن فقير باشد و خواه غني. اگر شوهر ورشكست شود حق زن مقدم بر اداي ديگر بدهي است. اگر شوهر نتواند به وضع متعارفي نفقه را بپردازد در صورت تمكن وظيفه جبران دارد. اگر چند روزي نفقه را ندهد و زن آن روزها را بگذراند بدهي شوهر از زن ساقط نخواهد شد.

شوهر وظيفه دارد لباس و مسكن مناسبي در اختيار زن بگذارد، غذات و لباسي براي زن تهيه كند كه از وضع او در خانه پدرش بهتر باشد. از نظر كلي وضع بايد بگونه اي باشد كه آسايش نسبي او را بگونه اي مشروع و قابل قبول فراهم سازد.

اگر در شؤون زندگي زن خدمتكار مطرح بوده شوهر بايد آن را عهده دار گردد و اين خود هشداري است براي مردان كه در انتخاب همسر مراقب باشند.

برخورد خوش

از حقوق و مطالبات زن از شوهر يكي اين مسأله است كه شوهر بايد برخورد خوشي با زن داشته باشد. اين برخورد خوش به صور و شيوه هيا گوناگون است كه اهم آن ميتو.اند راجع به موارد زير باشد:

احترام: رسول خدا (ص) فرمود: كسي كه زن ميگيرد بايد احترامش كند (من اتخذ زوجه فليكرمها (كافي)، جلوه ديگر اين احترام مراقبت از اوست بدان خاطر كه زن در تعبير قرآني بصورت حرث و كستزاري معرفي شده است و طبعاً اين حرث نياز به حمايت دارد.

مدارا: امام صادق (ع) فرمود حق زن بر شوهر اين است كه او را سير كند و او را بپوشاند و اگر لغزش و خطايي مرتكب شد او را ببخشد (بحارالانوار ج 74) و هم در حديث ديگر آمده است كه رسول خدا (ص) فرمود: بهترين مردان امت من كساني هستند كه دست ستم به سوي خانواده خود دراز نكرده و به آنان احسان ميكنند (مكارم الاخلاق – خيرالرجال من امتي اللذين لايتطاولون علي اهليهم و يحسبون عليهم)

امام سجاد (ع) فرمود: حق همسر تو آن است كه بداني خداي او را مايه آرامش و الفت تو قرار داده و اين را از جمله نعمتهاي بزرگ خدا بشماري و از اين رو در رفتار خود مدارا كني و احترام او را نگاه داري در سخنان پيامبر و امام اميرالمؤمنين بارها توصيه به مداريا با زنان است و رأفت با آنها.

رعايت عدالت: اين هم نكته اي مهم و از حقوق واجبه آنهاست كه شوهر در رابطه با زن عدالت را بنمايند. به قدرت و زور متوسل نشود و استبداد خود را عامل حقانيت خويش قرار ندهد.

پيشگيري و منع:

از وظايف شوهر در رابطه با همسر يكي اين است كه در رابطه با لغزش هاي بعدي پيشگيري هائي داشته باشد موجباتي به وجود آورد كه زن به دام نيفتد و عفت و پاكدامني او لكه دار نگردد. هم چنين او را از افتادن در وادي گناه كه سقوط آور است محافظت نمايد.

اسلام مرد را موظف كرده است كه زن را حفظ كند، هم جسم و روان او را و هم عفت و اخلاق او را و بايد مراقب باشد تا خطري براي او پديد نيايد. حافظ و حامي او از ناملايمات باشد، او را از فسق و فجور بازدارد، از ديد اجنبي مصون و از نگاههاي شهوت آلود مستورش دارد.

روايات ما ميگويند مردي كه ميداند زنش آلودگي دارد و با اين حال او را تحمل ميكند و يا عكس العمل نمي دهد ديوث است و بوي بهشت را نخواهد شنيد. اين سخن نشان مي دهد كه مسؤوليت او در رابطه با همسر تا چه حد است.

غرض آنكه مرد هم بحكم اسلامي و هم به حكم قانون موظف به اداي حقوق واجبه زن در مسائلي است كه برشمرديم و هم مراعات حال و احوالش در ديگر موارد كه جنبه انساني دارد و ما آنها را برشمرديم. اسلام او را گل يا ريحانه معرفي ميكند. آنكس كه بخواهد از ريحانه‌اي بهره ببرد بايد از عوامل آلوده او را دور نگه دارد.

فصل 3

حقوق شوهر

مقدمه

دامه حقوق شوهر

1-تمكين زوجه

2-اطاعت و فرمانبرداري

3-حفظ عفت خود

4-حفظ عفت شوهر

5-مديريت كانون

6-اخلاق خوش

7-تحمل شوهر

8-پنهان داشتن ها

از ديگر حقوق شوهر

حقوق شوهر

مقدمه

يك زن خوب و شايسته از ديد اسلام زني اسن كه بنحوي شايسته سعي به شناسايي حقوق شوهر و اداي آن بوجهي نيكو داشته باشد و آنچه از او در اين رابطه مورد انتظلر است رعايت وظايف بنحوي مؤدبانه است نه توجه به زيبائي صورت و يا حقوق بگيري و كارمندي.

دامه حقوق شوهر

اينكه حقوق شوهر چيست و تا چه دامنه اي است بحثها و نظرات بسيار است. شايد همه آنها و يا بخش مهمي از آن را بتوان در اين بحث بشرح زير مطرح كرد:

1-تمكين زوجه: غرض تمكين در مضاجعت است. داشتن رابطه آميزشي با زن از حقوق شوهر است و زن نمي تواند در اين زمينه شوهر را مانع شود و يا عذري بياورد، مگر آنگاه كه براي او منعي شرعي و يا زيستي مطرح باشد.

2-اطاعت و فرمانبرداري: برخي از فقهاي ما كل حقوق شوهر را در دو كلمه خلاصه كرده اند: يكي اطاعت و ديگر حفظ زندگي از مال و ناموس. غرض اين است كه ميخواهيم بگوئيم مسأله اطاعت و فرمانبرداري از همسر از اهميت ويژه اي برخوردار است.

شك نيست كه اطاعت در چارچوب ضوابط شرعي است نه بر اساس آنچه كه شوهر هوس كند. مثلاً شوهر حق ندارد در زمينه گناه از همسر خود طااعت بخواهد. نمي تواند به او دستور دهد كه مثلاً خود را در برابر مهمانان بيارايد و حاضر كند، براي او و دوستانش وسايل شراب و قمار فراهم سازد. آري، شوهر ميتواند در امر صواب از همسر خود اطاعت و صميميت بخواهد و به فرموده رسول خدا (ص) بر زن است كه از شوهر تبعيت كند و نسبت به او ابراز خلوص نمايد، بغير از روايات ديد اخلاقي هم اين است كه زن حرف شوهر را گوش كند، به دستورات او گردن نهاد، خوددار باشد و تمايلات او را برآورد.

روايات اسلامي ميكويند اين امر در عين اينكه وظيفه اي براي زن است سبب غفران و آمرزش او و حتي بستگان و والدين او نيز خواهد شد.

3-حفظ عفت خود: اسلام ميخواهد زن عفيف و پاكدامن باشد و اين پاكدامني از يكسو براي او وظيفه اي اسلامي است و از سوي ديگر چون بخشي از اثار و منافعش به شوهر برميگردد جزء حقوق شوهر بحساب مي آيد.

زن حق ندارد بدون اجازه شوهر از خانه بيرون رود (وسايل الشيعه ج 14)، حق ندارد پاي مردي را كه حتي ممكن است از بستگان او باشد ولي مورد رضاي شوهر نيست وارد خانه همسر كند (مكارم الاخلاق) و حق ندارد پاي خائن به شرف و ناموسي را به خانه خود باز كند (كافي) زيرا در چنين صورت حق شوهر از ميان رفته است.

اسلام ميخواهد فرزند از آن زوجين باشد و از بستر مشترك پديد آيد (الوالد للفراش) و بدين نظر زن را موظف كرده است كه بستر شوهر را از معرض جنايت ها و دستبردها دور دارد. و حتي بدون اجازه شوهر كسي را در خانه نپذيرد.

حفظ عفت شوهر: زن بايد بداند كه شوهر در معرض لغزيدن هاست. ديدار چهره هاي گوناگون، زنان آلوده و هوسباز، تنوع هاي گوناگون در كوچه ها و خيابان ها، زرق و برق و فريب گمراه كننده اند. زن با دلارائي و دلداري خود، با آرايش مناسب، با عرضه خود به شوهر با تمام وجود، بايد موجبات عفت و پاكي چشم شوهر را تضمين كند. چه بسيارند افرادي كه آلوده شدند بدان خاطر كه در محيط خارج خانه با زرق و برق ها و دلفريبي ها مواجه بوده اند و در داخل خانه با وضع زننده و نابهنجار خود. متأسفانه ما در مواردي با زناني مواجهيم كه در خانه هيچگونه آرايشي ندارند. لباس هاي خوب و زيباي خود را براي بيرون و مهماني ها مورد استفاده قرار ميدهند و لباسهاي چركين و كثيف را در خانه. در حقيقت شوهرشان احساس ميكند كه در خانه خود آشپز و كلفتي دارد نه زن و بانو. درحاليكه روايات ما زن را موظف كرده اند كه بخصوص از ساعتي قبل از حضور شوهر در خانه آمادگي و تهيو لازم را داشته باشند.

5-مديريت كانون:

او وظيفه دارد كانون خانوادگي را براي زندگي گرم نگه دارد. آنچنان كه مرد رغبت كند در آن زندگي نمايد و يا پس از پايان كار روزانه علاقمند شود و سوي خانه حركت كند و در آنجا آسايش و آرامشي براي خود پيدا نمايد. آري، مسأله پخت و پز و اداره خانواده و رفت و روب و دكورسازي جز وظيفه زنان نيست و از اين بابت زن به شوهر بدهي ندارد ولي آنكس كه خواستار ادامه زندگي و داشتن وحدت و الفت هست اين جنبه ها را در خود پذيراست.

حتي زنان زيرك و هوشمند سهي دارند بگونه اي عمكل كنند كه تنوع در زيبائي خانه بوجود آيد. حتي براي زن و شوهري كه يك اطاق دارند زن با جابجائي اثاثيه و تغيير مكان ميتواند اين تنوع را رعايت كند و مايه جلب و جذبي شود.

6-اخلاق خوش: از مسائل مورد اتفاق اين است كه زن وظيفه دارد اخلاق خوش و نيكوئي در رابطه با همسر داشته باشد. تندخوئي نكند، عصيان نورزد و با زبان نيشدار او را از خود نرنجاند. اصولاً وجود لنكتنوااليها در قرآن ايجاب ميكند كه زن با زباني خوش و با استقبال نيكو از شوهر برنامه زندگي را پايه بريزد.

روايات ما از زن خواسته اند كه در حين ورود شوهر به خانه از او استقبال به عمل آورد، او را در صورت خستگي راحت بگذارد، وسايل آسايش او را مهيا كند، حتي اگر دچار كمبود خواب است موجباتي فراهم اورد كه او راحت بخوابد. در حين خروج از خانه او را تا دم در بدرقه كند و ... اصولاً نرمخوئي و عاطفه زن ميتواند سازنده باشد و شوهر را كه مثلاً از درگيري هاي بيرون رنجيده و آزرده است آرام نمايد.

7-تحمل شوهر: زن مسلمان بايد شوهر خود را تحمل كند و اين تحمل لااقل در دو قسمت بايد مورد نظر باشد. يكي در رابطه با اخلاق او و ديگر در رابطه با فقر او.

چه بسيارند شوهراني كه در اثر تحمل ناملايمات بسيار، مواجه بودن با دشواري ها و گرفتاري هاي زندگي افراد عصبي، تندخو و تندمزاجند و گاهي در رفتار و طرز برخورد خود با همسر ناسازگاري‌هائي دارند. در چنين موارد زن بايد شكيبا باشد و با آرامش و سكون و دلجوئي هاي خود از او موجبات سكون و آرامش او را فراهم آورد. بار زندگي بر دوش مرد است و او براي تأمين زندگي به دلداري او نياز دارد و زن بايد اين نكته را در نظر داشته باشد. چه بسيارند تزلزل‌هائي كه در زندگي خانوادگي پديد مي آيند و زن با بردباري ميتواند آن را زائل سازد.

هم چنين وجود مردي كه در طلب معاش حلال باشد يك نعمت است و شما زنان بايد خوشحال باشيد كه شوهر شما در پي كسب حلال است. اگر احياناً در اثر مشكلاتي مسائل و نارسائيهائي در زندگي او وجود داشت بكوشيد آن را تحمل كنيد و با فقر و ناداري او بسازيد كه خداي را از خود خشنود خواهيد ساخت.

8-پنهان نداشتن ها: در زندگي زناشوئي حقه و فريب نبايد مطرح باشد. زن و شوهر بايد با هم رك و راست و محرم اسرار باشند. دروغ و حقه ممكن است چند صباحي زندگي را شيرين كند ولي بهنگامي كه آشكار و برملا شد موجب زباني عظيم خواهد شد.

زن وظيفه دارد قاعدگي خود را به اطلاع شوهر برساند تا او دچار حرام نشود، اگر حامله است آن را از شوهر مخفي ندارد. اگر زني آزاد ولي در عده است و قصد دارد با مردي كه همسر او خواهد شد ازدواج كند بر او واجب است كه بگويد در عده است و ...

ازديگر حقوق شوهر:

همانگونه كه ذكر شد دامنه حقوق شوهر وسيع و بر اساس روايات متنوع است. حتي برخي از حقوق بصورت صفات اخلاقي زن است كه در قرآن آمده است مثل: صالحه بودن، قانته بودن (اطاعت) حافظ اسرار شوهر بودن، منزه داشتن خود با اعمال شايسته، پوشاندن و حفظ خود از نامحرم، فرو پوشيدن چشم از بيگانگان، آرايش فقط براي شوهر، مديريت خانه از تربيت فرزند او، حفظ و حراست از اموال او، حفظ شؤون و احترام شوهر، تواضع در برابر او.

روايات ديگر كه از رسول خدا (ص) نقل شده اند ميگويند:

مطيع شوهر باشد، عصيان نورزد، از خانه شوهر چيزي را بي اذن او صدقه نكند، حتي روزه مستحبي بي اجازه اش نگيرد، خود را از تمتع شوهر دور ندارد بي اجازه از خانه اش خارج نشود و ... (روضة المتقين ج 8) زني صحابه از رسول خدا وظيفه زن در قبال شوهر را پرسيد: فرمود: مهر و محبتش را در دل بپروراند، وعده و پيمانش را محترم شمارد، كسي را در فرزند وي شريك نسازد (بحارالانوار)...

حقوق فرزند

مقدمه

مسائل حمل و بارداري زنان

حقوق كودكان

1-پذيرش كودك

2-احترام به كودك

3-تسميه كودك

4-تغذيه كودك

5-پوشاك كودك

6-مسكن كودك

7-بهداشت او

8-حمايت كودك

9-امنيت كودك

10-محبت كودك

11-رعايت آزادي و استقلال

12-آموزش ها

13-پرورش ها

14-كنترل ها

ضرورت اداي حق

توليد مثل و بقاي نسل جزئي از حيات خانواده و دنباله و امتداد رشته هستي خانواده و مورد نظر اسلام است. وجود كحودكان سبب استحكام خانواده و موجب سازگاري زوجين است. اينكه رابطه جسمي زن و شوهر كه رابطه يا مستقيم است به پيدايش فرزند منجر ميشود موجب پيدايش و اوج گرفتن انديشه تكامل در طرفين است.

از وظايف خانواده حفظ و نگهداري فرزندان و تربيت صحيح آنهاست كه اين امر علاوه بر رشد نياز به شهامت دارد. روحهاي عظيم هستند كه اهميت اين امر و وظيفه يا را كه در اين رابطه وجود دارد درمي يابند و در پوشش حيات خانواده به پرورش و ادامه نسلي مي پردازند كه لياقت عضويتي ارزنده براي زندگي اجتماعي دارند.

نگهداري و تربيت اطفال از وظايف رئيس خانواده است و مادر با اينكه قائم مقام پدر در انجام اين وظيفه است نقشي بمراتب حساس تر از پدر برعهده دارد، بعبارت ديگر نقش مادر سازنده تر و جهت دهنده تر است. از نظر اسلام والدين امانتدار خداوندند و ما نمي گوئيم كه آنها در حفظ و رشد اين امانت خود را فدا كنند ولي ميگوئيم كه ضروري است منتهاي تلاش خود را در اين راه مضروف دارند.

والدين وظيفه دارند موجبات خير و صلاح فرزندان را فراهم آورند و با ايجاد محيط صفا و خلوص و شرايط مناسب كانون خانوادگي را گرم نگهداشته و مساعي خود را در راه تربيت نسل دور از هر شايبه اي بكار برند. دامنه اين حقوق وسيع و از آن جمله است:

پذيرش كودك: از مسائل مهم حقوق كودكان يكي مسأله پذيرش كودك است. كودك را بهر وضع و صورتي كه هست بايد پذيرا شد، پسر يا دختر، زشت يا زيبا و در اين وادي نبايد شرايط گوناگوني مطرح باشد. زن و مرد بايد بدانند آنها باغبانان و فرزندان ميوه هاي آنانند. در طريق بثمر رساندن آنها بايد بكوشند و اين در شيوه و سنت اسلامي است.

تسميه كودك: تسميه و نامگذاري از مسائل مهم حقوق كودكان است. والدين كودك موظفند نان خوبي براي كودك معين كنند، نامي كه در آن رضاي خداوند باشد، توصيه شده كه اسم كودك از آن نوع اسامي باشد كه وابستگي و علاقه كودك را به خدا و يا علاقمندي و وابستگي او را به خاندان پيامبر نشان دهد. مثلاً نام امامان، حضرات معصومين، اولياء الله و

تغذيه كودك: نخستين غذاي كودك از شير مادر است.

زن بايد كودك را شير دهد و اگر درخواست اجرت داشت شوهر بايد به طلب اجرت او پاسخ مثبت دهد شوهر را ضروري است از مال و روزي حلال به همسر بخوراند كه اين امر در سلامت اخلاق و روان كودك شيرخوار مؤثر است.

پوشاك كودك: كودك را بايد پوشانيد و لباسي براي او تهيه كرد كه در ضمن حفظ زيبائي و سلامت بدن موجبات ارضاي سليقه و رشد او فراهم آيد.

مسكن كودك: والدين را ضروري است كه مسكن مناسبي در اختيار كودك قرار دهند. شك نيست كه فرزندان در همان خانه يا زندگي مي كنند كه پدران و مادران‌شان در آن سكونت دارند. ولي غرض در اين بحث اين است كه كودك به تناسب رشد نياز به محلي دارد كه آن را از آن خود بشناسد و اشياء مورد علاقه اش را در‌آن قرار دهد و يا در آن محل به زندگي خصوصي خود بپردازد. و اين حق كودك است و پدران و مادران در حدود وسع و امكان خود در اين رابطه بايد اقدام نمايد.

حمايت كودك: از كودك بايد حمكايت كرد تا او بتواند با اطمينان خاطر و به پشتگرمي والدين به پيش رود و از دشواري ها و مشكلاتي كه در سر راه اوست نهراسد.

امنيت كودك: كودك نيازمند به امنيت است، هم امنيت جسماني و هم رواني.

محبت به كودك: كودكان نياز به محبت دارند و رفع اين نياز يك ضرورت است.

آنچه مهم است اين است كه اين محبت به ميزان و اندازه، دور از افراط و تفريط، بركنلر از تبعيض در بين فرزندان، به مورد و به موقع، واقعي و دور از رياء و تصنع باشد و اين بر اساس انجام وظيفه باشد نه بر مبناي شرايط خاص زندگي كودك.

رعايت آزادي و استقلال

آزادي كودك نبايد بي بند و بار باشد و محبت به كودك نبايد آدمي را آنچنان از خود بيخود كند كه كودك را به خود رها نمايد زيرا كه در چنان صورتي امكان كنترل بعدي نخواهد بود.

آموزش ها: از وظايف والدين دادن آموزش هاي اساسي به كودكان است. آموزشي كه موجب سازندگي و خير و رفاه حال و آينده كودك شود. اما اينكه به كودكان چه بياموزيم همان مسأله اي است كه امام صادق (ع) بدان پاسخ گفته است: سزاوارترين چيزي كه بايد به كودكان آموخته شود چيزي است كه چون بزرگ شدند دبان نياز دارند. (مجموعه ورام). والدين بايد به كودكان راه و رسم زندگي بياموزند، درس عواطف و انسانيت دهند، فنون دفاع از خود را بياموزند و در جمع موجبات رشد را در كودك رفاهم كنند.

پرورش, تربيت تنها در آموزش كودكان خلاصه نمي شود بلكه مسأله پرورش هم اصلي است كه بدان بايد توجه شود. طول مدت حيات خانوادگي فرصتي است كه در آن كودك با سختي ها عادت كند، صاحب عزت نفس و مناعت طبع گردد. با پيچ و تاب زندگي خو بگيرد، روحيه اي متحمل داشته باشد. بتواند گذشت كند، ببخشد، ايثار نمايد و بالاخره در اين گرداب زندگي خود را از شرور و آفتاب نجات بخشد.

كنترل ها: و بالاخره كودك نياز به كنترل دارد، كنترلي كه او را از خطرات گوناگون حفظ كند، راه را براي سعادتمندي او باز نمايد. فرزندان ما هم چون نهالهائي هستند كه براي رشد نياز به مراقبت دارند و والدين بايد در اين رشد اقدام نموده و جلوي انحراف را بگيرند. شك نيست كه اين امر نياز به تدابيري انديشيده در زندگي دارد، تدابيري كه ضامن شرف خانواده و حافظ كودك بوده و از لغزش ها او را دور بدارد و والدين بايد در اين زمينه بيدار باشند. خداوند در قرآن دستور ميدهد كه قوا انفسكم و اهليكم ناراً. خود و خانواده خود را از آتش دوزخ حفظ كنيد (6-نحريم) و بعبارت ديگر آنها را از عداوي سقوط و انحطاط دور سازيد.

از ديگر مسائلي كه جزء حقوق كودكان بحساب مي آيد و مسؤولان خانه بايد بدان توجه نمايند مسألة تأمين، مسأله تأمين آسايش زن و فرزند است. امام سجاد (ع) فرمود: اگر از بازار براي خانواده ام گوشت تهيه كنم براي من محبوبتر از آن است كه بندي را در راه خدا آزاد كنم (مكارم الاخلاق). و هم امام رضا (ع) فرمود: آسايش زن و فرزند را فراهم كنيد كه آرزوي مرگ شما را نداشته باشند. (جامع السعادات ج 2)

آخرين نكته اي كه در اين فصل قابل ذكر است مسأله اداي حق است. فراموش نمي كنيم كه كودك را قدرت و توان طلبكاري و اداي حقوق نيست ولي بايد آگاه بود كه طرف حساب او خداوند است. پدران و مادران بايد همه هم خود را در اداي هرچه بهتر اين حق مصروف دارند.

فصل 5

حقوق والدين و اجداد

حقوق والدين

مقدمه

اسلام سعي به وحدت و يكپارچگي امت دارد

در سخني از حضرت رسول آمده است كه فرمود:

-خداوند رحمت كند فرزندي را كه به والدين و نيكي و آنها را در خير ياري كند.

-رحمت خدا بر پدري كه به فرزند خويش در نيكي ياري كند.

-رحمت خدا بر همسايه اي كه در كارهاي خير به ديگري ياري رساند و به معاونت همسايه اي بپردازد.

-رحمت خدا بر دوست و رفيقي كه به رفيق خويش مدد نمايد.

-رحمت خدا بر كسيكه با شركاء و همكاران خويش اشتراك مساعي نمايد.

-و رحمت خدا بر كسيكه به حكومت ياري و مد رساند ... (روضه المتقين ج 8).

حقوق والدين

بررسي مجموعه آنها ميتوان اين موارد را براي فرزندان بعنوان وظيفه ذكر كرد.

-اطاعت از والدين جز در آنها كه مسأله گناه و دعوت به نافرماني از خداي باشد.

-نيكي كردن و احسان به والدين و مددرساني به آنان به ويژه در آنگاه كه درخواستي كرده باشند.

-رعايت اخلاق خوش و برخورد مناسب با والدين در همه احوال و شرايط.

-سپاسگزاري از نعمت هاي خدا كه چنين والديني را در اختيار او قرار داده و اداي عمل آن سپاس.

-دعا براي والدين و درخواست رحمت و عنايت از خداوند براي آنان.

-تواضع و فروتني در برابر آنان به گونه اي كه به تعبير قرآن پر و بال خود را زير پاي آنها بگستراند.

-خودداري از اهانت به والدين حتي به گفتني لغتي چون اف.

-نگهداري با محبت و رأفت و حتي مراقبت در اين امر كه صداي او از صداي پدر و مادر بلندتر نشود.

روايات ما ميگويد خشنودي پدر و مادر رضاي خداوند است و خشم الهي در غضب پدر و مادر (رسول خدا (ص)) امام رضا (ع) فرمود از پدرت اطاعت كن و نسبت به او مراتب نيكي، تواضع، خضوع و بزرگداشت و تكريم را معمول دار. ديگر روايات هم مسائل ديگري را در اين مايه مطرح ميكنند و اين همه توصيه ها بدان خاطر است كه والدين بر گردن فرزندان حقي عظيم دارند و رشد و هستي فردي و اجتماعي آنها به آنان مربوط است.

هوالعزيز

در حقوق والدين بعد از روايت نوشته يم شود (در آخر)

از كتاب رساله حقوق از علي بن الحسين عليه السلام

و اما حق مادرت اين است كه: بداني او را در درون خود برداشته كه احدي احدي را در آنجا راه ندهد و از ميوة دلش به تو خورانيده كه احدي از آن به ديگري نخوراند، و او است كه تو را با گوشش و چشمش و دستش و پايش و مويش و سراپايش و همة اعضايش نگهداري كرده و بدين فدئاكاري خرم و شاد مواظب بوده و هر ناگواري و دردي را و گراني و غمي را تحمل كرده تا دست قدرت او را از تو دفع نموده و تو را از او برآورده، تو را به روي زمين آورده و باز هم خوش بوده است كه تو سير باشي و او گرسنه و تو جامه پوشي و او برهنه باشد و تو را سيراب كند و خود تشنه بماند، تو را در سايه بدلرد و خود در آفتاب باشد و با سختي كشيدن تو را به نعمت اندر سازد و با بي خوابي خود تو را بخواب كند شكمش ظرف وجود تو بوده و دامنش آسايشگاه تو و پستانش مشك آب تو و جانش فداي تو و بخاطر تو و به حساب تو گرم و سرد روزگار را چشيده به اين اندازه قدرش را بداني و اين را نتواني جز به توفيق خدا.

اما حق پدرت را بايد بداني كه او بن تو است و تو شاخه او هستي و بداني كه اگر او نبود تو نبودي، پس هر زماين در خود چيزي ديدي كه خوشت آمد بدانكه از پدرت داري و خدا را سپاس گزار و به همان اندازه شكر كن و لا قوه الا با...

و اما حق فرزندت: بدانكه او از تو است و در اين دنيا بتو وابسته است خوب باشد يا بد و تو مسئولي از سرپرستي او، با پرورش خوب و رهنمائي او به پروردگارش و كمك او به طاعت در بارة خودت و در بارة خودش و بر عمل او ثواب بري و در صورت تقصير كيفر شوي پس در بارة او كاري كن كه در دنيا حسن اثر داشته و خود را به آن آراسته كني و در نزد پروردگارش نسبت به او معذور باشي به سبب سرپرستي خوبي كه از او كردي و نتيجه الهي كه از او گرفتي و لا قوة الا با...

و اما حق برادرت: بدانكه او دست تو است كه با آن كار مي كني و پشت تو است كه به او پناه بري و عزت تو است كه به او اعتماد داري و نيروي تو است كه با آن يورش بري، مبادا او را ساز و برگ نافرماني خدا بداني و نيز وسيله ظلم به حق خدا، و او را در بارة خودش يار باش و در برابر دشمنش كمك كار، و ميان او و شياطينش حائل شو و حق اندرز او را به جاي آور و به او رو كن براي رضاي خدا اگر منقاد پرورگارش شده و بخوبي از او پذيرا گرديد وگرنه خدا نزد تو مقدم باشد و از اويش گراميتر بدار. تأليف ابن محمد حسن بن علي بن الحسين بن شعبه الحواني

حضرت امام صادق عليه السلام فرمود: كه هركه از روي خشم نگاه به پدر و مادر كند درحاليكه پدر و مادر بر او ظلم كنند خدا هيچ نمازي را از او قبول نميكند و فرمود چون روز قيامت شود پردة از پرده هاي بهشت برداشته شود و به اين سبب از پانصد ساله راه هركه را مشامي باشد بوي بهشت را مي شنود مگر يك طايفه، عرض شد كه آن كيست فرمود: عاق والدين – و فرمود اگر پست تر از اف گفتن برروي پدر و مادر چيزي مي بود خدا از آن نهي مي فرمود و اولي مرتبة عقوق، اف گفتن برروي ايشان است و ازجمله عقوق است تيزنظر كردن برروي ايشان.

و اول چيزي كه در لوح محفوظ نوشته شده اين بود كه منم خدائي كه به جز من خدائي نيست هركه پدر و مادر از او راضي باشد من نيز از او راضي هستن و هركه پدر و ماد بر او خشمگين باشد من نيز بر وي خشمناكم.

حضرت پيغمبر (ص) فرمود كه جميع مسلمين در روز قيامت مرا خواهند ديد مگر عاق والدين و شراب خوار و كسيكه نام مرا بشنود و صلوات بر من نفرستد و همين قدر از براي عاق والدين كافيست كه پيغمبر خدا بر او نفرين كرد و فرمود هركه پدر و مادر يا يكي از آنها را درك كند و او را از خود راضي نسازد هرگز آمرزيده مباد. جبرئيل بر نفرين آنحضرت آمين گفت ...
خير ما ورث الابآء الابناء الادب صفحه 406 و 407 جامع السعاده

بهترين ارثي كه پدران به پسران ميدهند كمال و ادب است. غررالحكم ص 393

بر الوالدين اكبر فريضه با پدر و مادر نيكي كردن بزرگترين فريضه است. غررالحكم ص 343

شيخ انصاري، فقيه بزرگ، خاتم مجتهدان، مادرش را تا نزديك حمام بدوش ميگرفت و او را به زن حمامي مي سپرد مي ايستاد تا بعد از پايان كار او را بخانه برگرداند هر شب به دست بوس مادر مي آمد و صبح با اجازه ي او از خانه بيرون مي رفت و پس از مرگ مادر به شدت مي گريست فرمود گريه ام براي اين است كه از نعمت بسيار مهمي چون خدمت به مادر محروم شدم شيخ پس از مرگ مادر با كثرت كار و تدريس و مراجعت تمام نمازهاي واجب عمر مادرش را خواند با آنكه مادر از متدينهاي روزگار بود – از نظام خانواده در اسلام.

كتاب اصول مداحي ص 484

ا..السادات ناصري نژاد ص 729 از كتاب

پيامبر خدا (ص) در پاسخ به سؤال از حق پدر بر فرزندش فرمود:

او را به اسم صدا نزند – جلوتر از او راه نرود – پيش از او ننشيند و برايش دشنام نخرد.

امام هادي (ع) فرمود: نافرماني والدين تنگدستي در پي دارد و به ذلت مي كشاند. البحارالانوار ص 728 اصول اجتهاد نوشته ناصري نژاد

طي 6 فصل و يك پيش گفتار مباحثي را در رابطه با خانواده و نظام حيات آن از ديدگاه اسلام مطرح ساخته ايم.

ولي حق اين است آنچه را كه گفته شد در رابطه با آنچه را كه بايد گفته شود بسيار اندك و ناچيز است بويژه كه ديد محدود نگارنده‌ها، نارسائي هاي علمي و تجربيشان، عدم آگاهي آنها را به همه مسائل و امور مربوط به اين امر، ضرورت رسيدگي به ديگر اموري كه آنها هم اهميت كمتري نسبت به اين مباحث ندارند و از همه مهمتر ضيق وقت و كثرت اشتغال، رعايت حال عامه خوانندگان سبب شدند كه اين مباحث صورت كاملتري نداشته باشند.

ما اين مباحث را به نام اسلام مطرح كرده ايم و البته سعي داشته ايم كه در اين راه لغزشي پديد نيايد.

سخن در باره خانواده و نظام حيات آن در اسلام. مروري داشتيم ر مسأله خانواده و سير تحولي آن از گذشته تا حال. بدين مقصود كه اهميت وجودي آن در جنبه فردي و اجتماعي مورد بررسي قرار گيرد و به افراد توجه داده شود كه وجود آن داراي چه مزيت ها و عدم آن داراي چه معايبي است و بر اين اساس پوچي انديشه كساني كه گمان داشته اند با لغو خانواده ميتوان بسياري از دشواري ها را حل كرد معلوم گردد.

گفتيم كه اسلام براي ازدواج و تشكيل خانواده ارزش و احترامي قائل است و توصيه هاي اسلام متوجه تشكيل خانواده است. اصولاً ارم ازدواج در اسلام مقدس است آنچنان كه پيامبر ما آن را بنائي محبوب در پيشگاه خدا معرفي كرد.

پس از ازدواج زن و مرد نسبت بهم حقوقي پيدا ميكنند كه بخشي از آن حقوق مشترك است، بخشي مربو.ط به حقوق زن، حقوق مرد، حقوق فرزندان و حقوق والدين. در ازاي چنين حقوقي طرفين نسبت بهم بدهي هائي پيدا ميكنند كه وظيفه به پرداخت و رعايت آنهاغست.

زن و مرد در خانه رباي آرامش و سكون خود و هم براي گرداندن چرخ زندگي مسؤوليت هائي پيدا ميكنند. بخشي از اين مسؤوليت ها از آن مردان، بخشي مربوط به زنان و بخشي هم به صورت شورها و مذاكره هاست و مي بايست در خانه صورت گيرد و مراعات شود.

خانواده گاهي در معرض تزلزل و لغزش قرار ميگيرد كه زوجين و مسؤولان جامعه بايد مراقب باشند تا آن را از خطر زوال و سقوط دور نگه دارند. انگيزه لغزشها ممكن است اخلاقي، مذهبي، اجتماعي، سياسي، انضباطي، فرهنگي، اقتصادي، زيستي، جنسي، رواني و يا عاطفي باشد. هنري لازم است تا از نفوذ اين عوامل جلوگيري كرده و نگذارد اين امور ريشه دار گردد و خانواده را به انحلال بكشاند.

بر اين اساس است كه خانواده مي بايست صيانت گردد و اين صيانت دو بعد پيشگيري و درمان است. در جنبه پيشگيري زن و شوهر وظيفه دارند به رعايت حقوق و حدود بپردازند، كاري كنند كه در دل و چشم شوهر جاذبه ايجاد نمايند و اين جاذبه هرچندگاه تغيير و تجديد شود. جنبه هاي اخلاقي و ايماني مورد نظرشان باشد، تعالي مذهبي را مد نظر داشته باشند و پاي عوامل دلگرم كننده اي را در خانه باز نمايند. در جنبه درمان ضروري است تلاشي به عمل آيد.

بر اثر سهل انگاري در رعايت اين وظايف و دستورات ممكن است كار خانواده به جايي باريك بكشد و اختلاف اوج بگيرد. در آن صورت است كه بايد خوددار بود.

خوددار بود و رضاي خدا در نظر داشت. نفرت و اختلاف افراد خانواده ممكن است كار را به تفرق بكشاند.

پس از انحلال خانواده مسأله خاتمه يافته نيست

ادامه زندگي ضروري است هركدام بخشي از خواسته ها و تمناهاي خويش را ناديده گيرند و مسائل زندگي را با ديد اغماض و عفو و گذشت بنگرند. وگرنه اختلاف است و درگيري و اسارت يك حيات جهنمي

با اميد رسيدن به سعادت دنيوي و اخروي

### پايان

فهرست منابع

1-نظام صبات خانواده در اسلام – دكتر علي قائمي

2-اصول بهداشت رواني – دكتر حسيني

3-اخلاق – محمدتقي فلسفي

4-اصول روانكاوي فرويد – هاشم رضي

5-آزادي يا اسارت زن – فرصت قائم مقامي

6-بزرگسال و جوان – فلسفي

7-تشكيل خانواده در اسلام – دكتر علي قائمي

8-حقوق خانواده در اسلام - حقاني